

تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

فضل الله رضایی اردانی (نویسنده مسوول)^۱

غلامرضا هاتفی اردکانی^۲

چکیده

دکترعلی شریعتی، از مفاخر ایران معاصر است که همزمان در ابعاد گوناگون فرهنگ و ادب فارسی، نامی ماندگار از خود بر جای گذاشته است. کتاب «کویر»، یکی از آثار «ادبی-غنائی» و درون‌گرایی این نویسنده سرشناس به شمار می‌آید. او در نگارش «کویر» بر اساس جریان سیال ذهن، کوشیده است تا متنی منقح، ظریف و ادبی خلق کند. توصیف، احساس‌گرایی و کاربرد صناعات ادبی (از جمله تشبیه، استعاره و تضمین)، از ویژگی‌های غالب متن «کویر» است. شریعتی به علم بیان و بدیع، اشراف کافی داشته و هیچ‌گاه از صناعات ادبی به شکل تصنعی استفاده نکرده است. در این مقاله، با هدف دانش‌افزایی مدرسان و دبیران، درس نهم کتاب فارسی پایه دوازدهم، تحت عنوان «کویر»، محور پژوهش قرار گرفته و از نگاه فرم‌شناسی در سه حوزه بااهمیت «زبانی، ادبی و فکری» بررسی شده است. شیوه پژوهش، توصیفی همراه با تجزیه و تحلیل یافته‌هاست و نتایج این مطالعه روشن‌ساخت که هنر‌سازهای زبانی و ادبی و آرایش و چیدمان منظم آن‌ها در حوزه‌های متعددی چون تاریخ‌نگاری، تکرار، تلمیح‌گویی، فرامکانی و فرازمانی، عامیانه‌نویسی، واژه و عبارت‌پردازی، تصویرپردازی و ...، از برجسته‌ترین مشخصات ساختار زبانی - ادبی کویر و عاطفی‌بودن، توصیف عناصری از طبیعت، درون‌گرایی، عشق به وطن اصلی خویش، دل‌ن بستن به تعلقات، بیان اندیشه‌های عرفانی و ...، از مهم‌ترین خصوصیات محتوایی این کتاب ادبی است.

کلیدواژه‌ها: فرم‌شناسی، صورت‌گرایی، شریعتی، کویر، کتاب فارسی، پایه دوازدهم

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران rezai_ardani@yahoo.com

^۲ دکتری زبان و ادبیات فارسی دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

دکترعلی شریعتی به سال ۱۳۱۲ در مَزینان، از توابع سبزوار، در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود و سرانجام در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶ به سوی آرامش ابدی عروج کرد. او در طول دوران تحصیل، در دانشگاه فردوسی مشهد، به انتشار آثاری چون: «ترجمه ابوذر غفاری، ترجمه نیایش اثر الکسیس کارل» و ... همت‌گمارد. پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی، به دلیل کسب رتبه ممتاز در فارغ التحصیلی، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت؛ تا تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری، در دانشگاه سوربن فرانسه ادامه دهد. وی در آن جا به تحصیل علمی چون جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ، تاریخ ادیان، تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت و با استادان بزرگی چون لویی ماسینیون، ژرژ گوروچ و سارتر و... آشنا شد. دوران تحصیل او در فرانسه، هم‌زمان با جریان نهضت ملی ایران، به رهبری مصدق بود. ایشان با قلم و بیان خود، همواره از این حرکت دفاع می‌کرد. وی پس از سال‌ها تحصیل، در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت و در همان دوران فعالیت‌های بسیاری در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی داشت. دکترعلی شریعتی یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های اجتماعی و فکری ایران در نیم قرن اخیر به شمار می‌آید. ایشان آثار عمده‌ای در زمینه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دارد. اکثر کتاب‌های شریعتی از سخنرانی‌های او در حسینیه ارشاد و دانشگاه‌ها شکل گرفته و یا مجموعه‌مقالات و نوشته‌های پراکنده او هستند که از سوی مرکز نشر آثارش به چاپ رسیده‌است.

کتاب «کویر» یکی از آثار «ادبی- غنایی» و درون‌گرای این نویسنده مشهور به شمار می‌آید که می‌توان گفت در روزگار معاصر در نوع خود، کم‌نظیر است. بنابر اظهارات خود دکتر شریعتی، نوشته‌های ایشان را می‌توان در سه دسته اجتماعی، اسلامیات و کویریات گنجانند (شریعتی، ۱۳۴۸: ۹). جایگاه ادبی و هنری کویریات در بین نوشته‌های شریعتی، بهتر و بیشتر از آثار دیگرش نمایان است.

درون‌مایه «کویر»، به‌عنوان اثری ادبی، همانند «بث الشکوی و نامه‌هایی» است که به «هیچ‌کس» نوشته شده‌است و از قید عنوان و مخاطب، آزاد است (همان: ۲۱). این موضوع، گویای این حقیقت است که کویر، آیین بی‌زنگار روح و روح بی‌زنگار نویسنده است که همواره دغدغه‌های جامعه بشری او را احاطه کرده‌است و این نوشتار شعرگونه، بهانه‌ای برای رهایی از این دغدغه‌های درونی و فراموش کردن آن‌هاست. او این اثر را با بیش از سیصد صفحه، «پاره‌ای از بودن خود می‌داند» (همان: ۹).

دکتر شریعتی در تحریر متن کویر که حاصل تنهایی اوست، می‌کوشد تا متنی منقح، ظریف و زیبا خلق کند. و این اثر ادبی و خواندنی، ریشه در جریان سیال ذهن نویسنده دارد. توصیف،

احساس‌گرایی و کاربرد صناعات ادبی همچون تشبیه، استعاره و تضمین، از ویژگی‌های غالب متن «کویر» است؛ متنی که با این بند آغاز می‌شود:

«بر کرانه کویر، به تعبیر حدودالعالم، «شهرکی» است که شاید با همه روستاهای ایران فرق دارد. چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید؛ از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینۀ کویر سرازیر می‌شود و از دل آرگ مزینان سر برمی‌دارد...» (شربعتی، ۱۳۸۹: ۵).

ادبیات و پیشینه پژوهش

۱. فرمالیسم

فرمالیسم یکی از مکاتب نقد ادبی در حوزه ادبیات، از دیدگاه زبان‌شناسی است. این مکتب ادبی در خلال جنگ جهانی اول در روسیه به وجود آمد و در سال ۱۹۲۰ شکوفا شد. در سال ۱۹۱۶ در پترسبورگ (پتروگراد)، دومین شهر بزرگ روسیه پس از مسکو، انجمنی تأسیس شد که به انجمن مطالعه در زبان ادبی یا انجمن تحقیقات زبان شعری موسوم گشت. «بوریس آخن بام و شگلوفسکی» از جمله اعضای این انجمن بودند.

البته در سال ۱۹۱۵، گروه دیگری به رهبری «یاکوبسون» بودند که انجمن زبان‌شناسان مسکو را تأسیس کرده بودند و فعالیت‌های آنان بیشتر در حوزه زبان‌شناسی بود. این دو انجمن، همواره با همدیگر همکاری و هماهنگی داشتند و همگی اعضای آن‌ها زبان‌شناس بودند و به آن‌ها فرمالیست گفته می‌شد (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۷۳). فرمالیست‌ها می‌کوشیدند تا آثار هنری و ادبی را با در نظر گرفتن خود اثر و به دور از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، تاریخی و... تحلیل و بررسی نمایند (شایگان‌فر، ۱۳۹۱: ۵۲). تحقیقات و پژوهش‌های ادبی سردمداران این مکتب ادبی باعث شد تا دیدگاه‌های آنان در اروپا و آمریکا، مخصوصاً در دهه‌های ۵۰ - ۱۹۴۰ در جهان گسترش فوق‌العاده‌ای بیابد (همان: ۵۲).

فرمالیست‌ها، اثر ادبی را شکل (فرم) محض می‌دانستند و معتقد بودند که در بررسی اثر ادبی باید تکیه بر فرم باشد، نه محتوا. «فرم» در یک اثر ادبی، عبارت است از هر عنصر و جزئی که در ارتباط با دیگر عناصر و اجزا، ساختار منسجمی را به وجود می‌آورد؛ طوری که جابه‌جایی هر کدام از آن‌ها، سبب صدمه دیدن شکل می‌گردد. بنابراین، اجزا و عناصر شکل‌بخش، متقابلاً یک‌دیگر را پشتیبانی می‌کنند (همان: ۵۳).

۲. جریان سیال ذهن و نگارش خودکار

جریان سیال ذهن، با جنبش مدرنیته اوایل قرن بیستم همراه است. جریان سیال ذهن به مخاطبان اجازه می‌دهد تا به افکار یک شخصیت یا نویسنده، گوش فرادهند. این هنر نویسندگی،

با استفاده از عناصر زبانی و ادبی و به روش‌های غیرمعارفی صورت‌می‌گیرد؛ تا مشابه مسیرهای پیچیده افکار، هنگام شکل‌گیری آن‌ها، در ذهن مخاطبان وجود داشته‌باشد. جریان سیال ذهن، استفاده از زبان برای شبیه‌سازی ماهیت «جریان و سیالیت» افکار یا «ذهن» نویسنده است و معمولاً از قوانین عادی دستور زبان و جمله‌بندی (یا ترتیب کلمات) پیروی نمی‌کند؛ زیرا افکار به‌طور کامل شکل نمی‌گیرند؛ یا در میانه تغییر مسیر می‌دهند و یا از سوی فکر دیگری قطع می‌شوند. در جریان سیال ذهن، نویسندگان با استفاده از پیوندهای ضعیفی که اغلب مبتنی بر تجربیات و خاطرات فردی‌ست، از یک موضوع به موضوعی دیگر یا از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر حرکت می‌کنند. و هدف این است که با این هنر، نویسندگان بتوانند تجربه تفکر بشری را با صحت و اصالت بیشتری انتقال دهند و موضوعات به‌صورت واضح و منطقی به هم پیوند بخورند. در این شیوه، ممکن است نویسندگان از تکرار استفاده کنند؛ تا نشان دهند که شخصیت به یک فکر یا تصور خاصی برمی‌گردد و یا روی آن تمرکز دارد. کلمات و عبارات تکراری می‌توانند به‌عنوان یک «نشانه» عمل کنند و خوانندگان را به سمت درون‌مایه‌های مهم و برجسته مورد نظر خود بکشانند. اصطلاح «جریان سیال ذهن»، در قرن نوزدهم شکل گرفت و روان‌شناسان این اصطلاح را برای توصیف جریان مداوم افکار، احساسات، خاطرات و مشاهدات به کار بردند. در این مقاله به تجلی فرم و صورت و نیز جریان سیال ذهن در کویر شریعتی پرداخته خواهد شد.

در زمینه ویژگی‌های سبکی نثر کویر، تاکنون پژوهش‌هایی در قالب مقاله، کتاب و ... انجام شده‌است که در این جا به برخی از مهم‌ترین و اثرگذارترین آن‌ها اشاره می‌شود: رهبریان (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های ادبی و هنری شریعتی» به بررسی محتوای کویر پرداخته‌است. ساسانی (۱۳۸۴)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبکی کویر شریعتی»، براساس محور جانشینی و همنشینی و نیز عناصر پیرامونی دیگر، متن کویر را مطالعه و بررسی کرده‌است. عبدالحی (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی فرم در کویر دکتر شریعتی با تکیه بر برجسته‌سازی»، واژگان و ترکیبات به کار برده شده در کویر را از نظر غیرمعارف بودن بررسی کرده‌است. علوی و غلامی (۱۳۸۴)، با چاپ مقاله‌ای با عنوان «خیال در کویر دکتر شریعتی»، کوشیده‌اند عنصر خیال را در کویر بازبایی کنند. گودرزی (۱۳۹۷)، هم در کتاب «تنهایی کویر»، درون‌مایه‌های آثار ادبی دکتر شریعتی را نقد کرده‌است. همچنین در کتاب «راهنمای معلم فارسی ۳»، چاپ ۱۳۹۷ و نیز در فضای مجازی، به‌شکلی موجز و مختصر، ویژگی‌های سبک کویر در حوزه‌های مختلف ادبی بیان شده‌است.

روش پژوهش

داده‌های پژوهش از راه مطالعات کتاب‌خانه‌ای فراهم آمده و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. لازم به ذکر است که در این مقاله به هنر‌سازه‌های زبانی و ادبی و آرایش و چیدمان منظم آن‌ها در حوزه‌های متعددی از قبیل: تاریخ‌نگاری، تلمیح‌گویی، فرامکانی و فرازمانی، عامیانه‌نویسی، واژه و عبارت‌پردازی، انواع ترکیب و تصویرپردازی، خواهیم پرداخت.

یافته‌های پژوهش

۱. جریان سیال ذهن

نگارش متن خودکار، رابطه بین ادبیات و غیرادبیات را معکوس می‌کند. متن خودکار که از جریان سیال ذهن نویسنده نشئت می‌گیرد، چیزهایی فراتر از تصور او را در خود دارد؛ طوری که نویسنده را دچار حیرت می‌کند (سیدحسینی، ۱۳۹۵: ۸۳۰). آن چه در ادامه می‌خوانید، نمونه‌هایی از جریان سیال ذهن نویسنده کویر که با موضوعات متعدد روبه‌رو بوده است:

- چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید.
- تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوایش یاد می‌کند.

- صحبت مزینان بود. سال‌ها پیش، مردی فیلسوف و فقیه که در حوزه درس مرحوم حاجی ملا هادی اسرار - آخرین فیلسوف از سلسله حکمای بزرگ اسلام - مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت، به این ده آمد.

- این فلسفه انسان‌ماندن در روزگاری است که زندگی سخت آلوده است و انسان‌ماندن سخت دشوار.

- آن اوایل سال‌های کودکی، هنوز پیوند ما با زادگاه روستایی‌مان برقرار بود.

- نیمه‌شب آرام تابستان بود و من هنوز کودکی هفت هشت ساله.

- دهقانان با چهارپایان‌شان از صحرا بازمی‌گشتند و هیاهوی گله خوابید.

- آن شب نیز ما به تالو پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد و آن جاده روشن و خیال‌انگیزی که گویی یک‌راست به ابدیت می‌پیوندد.

- دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که آن عالم پرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی روح شد؛ ساخته چند عنصر! و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس، در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر

تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

از خدا می‌کرد، به این علم عددبیین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانهٔ زیبا و شگفت مردم کویر، فرودآدمد و بر روی بام خانه، خسته از نشئهٔ خوب و پاک آن «اسرا»، ر بستر خویش به خواب رفتم.

جریان سیال ذهن فقط تلاشی برای انتقال افکار یک شخصیت نیست؛ بلکه هدف این است که خواننده، آن افکار را به همان صورتی که در شخصیت می‌گذرد، تجربه کند. جریان سیال ذهن در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به‌عنوان بخشی از ادبیات مدرن، شکل گرفت. بسیاری از نویسندگانی که در استفاده از جریان سیال ذهن پیشگام بودند، تلاش می‌کردند آثار و تکنیک‌های ادبی جدیدی عرضه کنند؛ تا تجربیات بشر را مخصوصاً در دنیای مدرن، شهری و صنعتی، بهتر به نمایش بگذارند. بدینسان، چنین نگارشی علاوه بر این که مواد لازم را برای نوعی روانکاوی خویشتن فراهم می‌سازد؛ وسیله‌ای است برای کاوش در دنیای آدمی (سیدحسینی، ۱۳۹۵: ۸۳۳).

۲. تاریخ‌نگاری

در کویر، تاریخ‌گرایی بیشتر با به کارگیری «واژگان و عبارات» کاربردی در حوزهٔ تاریخ، متجلی می‌شود. مصادیق زیر از «درس کویر» فارسی پایهٔ دوازدهم نقل می‌شود:

ارگ مزینان

مزینان شهرکی است خُرد از خراسان بر راه ری و اندر وی کشت و زرع بسیار است. نام یکی از دوازده ربیع بیهق که شامل مایان، کموزد، داورزن، سد خرو، طزر، بهمن‌آباد، مهر (که آن جا مزارع اقلام بحری باشد) و ماشدان و سوزان. مزینان از دیرباز دارالحکُم یا دادگاهی محلی داشته و بزرگان آن جا مورد اطمینان منطقه بوده، برای حل و فصل دعاوی خود به آن مراجعه می‌نموده‌اند (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

عشق‌آباد

این شهر در نزدیکی پایتخت باستانی اشکانیان (شهر نسا) قرار دارد. نام عشق‌آباد در قدیم «أشک‌آباد» (aškāpāt) بوده است و آن را برگرفته از نام ایرانی اشک یکم، سردودمان سلسلهٔ اشکانیان، دانسته‌اند. عشق‌آباد در سال ۱۸۱۸، تنها روستایی کوچک جهت استراحت کاروانیان جادهٔ ابریشم بوده که در نزدیکی شهر باستانی نسا قرار داشته است. شهر نسا که زمانی پایتخت اشکانیان بوده، در حملهٔ مغول کاملاً ویران شده است. آثار این شهر، در نزدیکی عشق‌آباد کشف شده و برخی بر این باورند که احتمالاً عشق‌آباد بر روی خرابه‌های شهر باستانی نسا بنا گردیده است. در سال ۱۹۲۴، عشق‌آباد رسماً پایتخت ترکمنستان شوروی شد.

تاریخ بیهق

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی‌القاسم زید بیهقی، مشهور به ابن فندُق، مورخ و ادیب قرن پنجم هجری قمری است. اثر مهم او، تاریخ بیهق، حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد خراسان در

عهد غزنویان و سلجوقیان است. او این اثر تاریخی را در زمان «سلطان سنجر سلجوقی» نوشته‌است. در منابع کهن از او بیش از ۷۰ اثر در تاریخ، زبان، نجوم و فلسفه ذکر شده که تعدادی از آن‌ها در حال حاضر، موجود است.

ملاهادی اسرار

هادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲ هجری قمری) دانشمند علوم اسلامی، فیلسوف، عارف، شاعر و فقیه ایرانی است. او غزل‌های حکمی و عرفانی زیادی سروده‌است و در شعر، «اسرار» تخلص می‌کرد. مجموعه‌ای از منطق، الهیات و طبیعیات، علم النفس و فقه را به صورت منظوم فراهم آورده و آن را شرح کرده‌است. این کتاب «شرح المنظومه» نام‌گرفته‌است (ویکی فقه، ذیل حاج ملاهادی سبزواری).

ادیب بزرگ

ادیب نیشابوری، شاعر، محقق و عالم ادب عربی و فارسی که دارای مشرب‌ی عرفانی نیز بوده‌است؛ اما با همه این فضایل، مهم‌ترین بخش کارنامه علمی و عملی وی، به معلم بودن و مدرس بودنش بازمی‌گردد. اکثر جوانان فاضل خراسان از جمله شاگردان نام‌دار ادیب نیشابوری بودند (دهخدا، ذیل ادیب نیشابوری).

در تاریخ معاصر، از دو اندیشمند با عنوان «ادیب نیشابوری» یاد شده‌است؛ یکی مرحوم استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، معروف به «ادیب اول» (متوفی ۱۳۰۵ خورشیدی) و دیگری مرحوم استاد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، مشهور به «ادیب ثانی» (متوفی ۱۳۵۵ خورشیدی). هر دوی این بزرگان، جزء چهره‌های درخشان فرهنگ و ادب ایران زمین، به‌ویژه خراسان بزرگ به شمار می‌روند. هر دو ادیب، هم شاعر بوده‌اند و هم مدرس و هم محقق و در ادب فارسی و عربی از سرآمدان روزگار خویش به شمار می‌آمده‌اند. چنان‌که اشاره شد، ادیب نیشابوری ثانی از شاگردان برجسته ادیب نیشابوری اول بوده‌است.

محمد (ص)

آخرین پیامبر از سلسله پیامبران الهی و تجدیدکننده آیین یکتاپرستی (دین حنیف) که دینش اسلام و معجزه‌اش قرآن است و پیش از بعثت در میان قریش به جوان‌مردی و امانت‌داری شهره بود و همگان او را «محمد امین» می‌خواندند.

صحرای عربستان

صحرای عربستان از یمن تا خلیج فارس و از عمان تا اردن و عراق امتداد دارد و بیشتر شبه‌جزیره عربستان را پوشش می‌دهد. مساحت این صحرا، ۲۳۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع است و در مرکز آن ربع‌الخالی واقع شده که یکی از بزرگ‌ترین سرزمین‌های ماسه‌ای دنیا است. آب و هوای این منطقه، خشک است و دما در روز، بسیار گرم و شب‌های بسیار سرد و یخبندان دارد (دهخدا، ذیل

نالهای گریه آلود آن امام راستین

این ترکیب نسبتاً بلند، به حرف زدن امام (ع) و درد دل کردن آن حضرت با چاه اشاره دارد که دکتر علی شریعتی آن را این گونه به تصویر درآورده است: نالهای گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می شنوم؛ نالهای گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی فریاد، سر در حلقوم چاه می برد و می گریست.

علی (ع)

علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل، برابر با ۲۳ پیش از هجرت، به دنیا آمد و ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری قمری به شهادت رسید. وی پسرعمو و داماد حضرت محمد (ص)، فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد، همسر فاطمه زهرا (س)، پدر حسن (ع)، حسین (ع)، و زینب (س) و امام اول شیعیان است. پس از دعوت پیامبر، علی (ع) در حدود ۹ تا ۱۱ سالگی از نخستین ایمان آورندگان به اسلام شد. پیامبر، پذیرش او را در یوم الدار علناً اعلام کرد و آن حضرت را «برادر، وصی و جانشین خود» نامید. در شب لیله المبیت به هجرت پیامبر کمک کرد و حضرت محمد (ص) پس از مهاجرت به مدینه و ایجاد پیمان برادری بین مسلمانان، او را به عنوان برادر خویش انتخاب کرد. او در مدینه در اغلب جنگها پرچمدار سپاه اسلام بود و در دلآوری زبان زد خاص و عام شد.

صفای اهورایی

اهورا، در اوستایی به معنی وجود مطلق و هستی بخش و بی همتاست. اهورا مزدا، هستی بخش بی همتا و خالق عالم را گویند. نام آفریدگار نکوییها و دادار و پروردگار همه هستی در مژدیسنا است. او الوهیت و الهه آفرینش در اندیشه های زرتشت است. ریشه این واژه به زبان اوستایی کهن در گاتاهای بازمی گردد (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۲۶۰۸)

با توجه به این توضیحات، باید گفت که اساس ساختار بیشتر جمله های متن کویر، به نثر سده های چهارم تا ششم هجری، به ویژه نثر حدود العالم (سده ۴ ه.ق) و تاریخ بیهقی (سده ۶ ه.ق) و نثر خواجه عبدالله انصاری و عین القضاة همدانی نزدیک می شود. در عین حال، نثر شریعتی بسیار شیوا و روان است. او، خود در آغاز کویر گفته است: «بر کرانه کویر، به تعبیر «حدود العالم»، شهرکی است که شاید با همه روستاهای ایران فرق دارد.» (شریعتی، ۱۳۹۸: ۵) و در بخشی از مقدمه کویر ۳۵۲ صفحه ای خود می گوید: «از هراس تنهایی در حال، برادرم عین القضاة را یافتم که در آغاز شکفتن به جرم آگاهی و احساس و گستاخی اندیشه، در سی و سه سالگی شمع آیینش کردند!» (شریعتی، ۱۳۴۸: ۷).

۳. مختصات سبکی کویر

تکرار

به نظر می‌رسد که شیوه نثر شریعتی، «تغزلی، خطابی و تعلیمی» از نوع نثر خواجه عبدالله و عین القضات همدانی باشد. همانگونه که او در مقدمه کویر ۳۵۲ صفحه‌ای می‌گوید: «از هراس تنهایی درحال، برادرم عین‌القضات را یافتم که در آغاز شکفتن به جرم آگاهی و احساس و گستاخی اندیشه، در سی و سه سالگی شمع آجینش کردند!» (همان). وی به علم بیان و بدیع در ادبیات اشراف کافی داشت و هیچ‌گاه از صناعات ادبی به شکل تصنعی استفاده نکرده‌است. «تکرار» در کویر یک قاعده سبکی است. او از زیور ادبی «تکرار» در آثار ادبی خود به‌عنوان یک قاعده سبکی استفاده می‌کند. این کار باعث می‌شود تا کلامش آهنگین و ساختار نثرش منسجم گردد. در واقع شریعتی به‌خوبی به موسیقی درونی یا صناعات بدیع لفظی اشراف داشته و آن را در کلام خویش برجسته ساخته‌است.

تلمیح

تلمیح یکی از راه‌های تناسب‌سازی در هنر نثر و شعر است. تلمیحات به‌کاررفته در ادب فارسی، بیشتر جنبه تداعی معانی دارد. تلمیح در علم بدیع به آرایه‌ای گفته می‌شود که گوینده در ضمن کلام، به داستان یا رویدادی یا آیه‌ای از قرآن کریم یا حدیثی اشاره کند (صادقیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴). لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مثل یا آیه یا شعر است (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۳: ۶۶). معمولاً از تلمیح به‌عنوان تشبیه یا استشهد بهره‌گرفته می‌شود. در این هنر کلامی، نوعی ایجاز نهفته‌است و این ایجاز می‌تواند به‌راحتی رساننده معنی به مخاطب باشد. از طرفی دیگر، اگر در تلمیح، ابهام به کار رفته‌باشد، این ابهام سبب زیبایی خواهدشد؛ زیرا مخاطب می‌کوشد تا با تأمل این ابهام را کشف کند (همان: ۶۸).

تلمیحات یا اشاره‌های بینامتنی شریعتی در کویر، متضمن برداشت‌های تاریخی، ادبی و ذهنی نویسنده است. او با این ویژگی برجسته، برای تطبیق و تداعی مخاطب، حوادث تاریخی را تصریح می‌نماید. در اغلب تلمیحات کویر، متن، تداعی‌کننده آن رخداد مورد نظر نویسنده است؛ طوری که نویسنده می‌کوشد با آوردن واژگان فرعی تلمیح، آن را در ذهن مخاطب، مجسم‌سازد: - درست گویی عشق آباد کوچکی است و چنان که می‌گویند، هم بر انگاره عشق آبادش ساخته -

اند. مزیان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود.

جمله آخر این عبارت، دارای تلمیح است و به این بیت حافظ اشاره دارد:

گوهر مخزن‌الاسرار همان است که بود حُقه مهر بدان مُهر و نشان است که بود

(حافظ، ۱۳۶۹: ۲۸۹)

تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

- ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم؛ ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست.

اشاره به درد دل کردن علی (ع) با چاه دارد.

- آن شب نیز من، خود را بر روی بام خانه گذاشته‌بودم و به نظاره آسمان رفته‌بودم؛ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن، مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سر می‌زنند.

گوینده در عبارت «غرق در این دریای سبز معلقی»، تلمیح به کار برده‌است که اشاره‌ای است به بیت زیر از حافظ شیرازی:

آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم
(حافظ، ۱۳۶۹: ۵۱۵)

- آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی روح شد؛ ساخته چند عنصر! و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها...

در این نمونه، نویسنده به چهار عنصر «آب، باد، خاک و آتش» اشاره کرده‌است. علاوه بر این، به «اهورا»، نام آفریدگارِ نکویی‌ها و دادار و پروردگارِ همه هستی در مَزَدَیَسنا توجه کرده‌است.
- حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌اش، آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود.

عبارت فوق به آیه اول سوره جمعه، یعنی: «يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (هر چه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و حکیم است مشغولند) اشاره دارد.

- من آن شب، پس از گشت و گذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.

«اسرا» در لغت به معنی در شب سیر کردن، معراج پیامبر اسلام (ص)، همچنین نام هفدهمین سوره قرآن مجید است که در آن به معراج پیامبر (ص) اشاره شده‌است.

فرامکانی و فرازمانی

مکان اصلی در کویر، روستای مزینان است؛ ولی نویسنده با شگردی هنرمندانه، مزینان را به لامکان تعبیر می‌کند و با پردازشی هنری، فرهنگ ایران و شرق را برای مخاطب، تداعی می‌سازد. او با همنشینی واژه‌هایی از قبیل «کویر، مدینه، نویسنده اهل رومانی، عربستان، جبرئیل، الهام و

...»، زمان و مکان را بسط می‌دهد و متن خلاق خود را فرامکانی و فرازمانی جلوه می‌دهد. کاربرد مصادیق زیر، بر این ویژگی ممتاز نثر شریعتی در کویر دلالت دارد:

- چشمه‌آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید، از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد. از این جا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند. درست گویی عشق‌آباد کوچکی است و چنان که می‌گویند، هم بر انگاره عشق‌آبادش ساخته‌اند. در این عبارت، مزینان از حوزه روستایی خارج و در گستره‌ای به وسعت «عشق‌آباد» تصور می‌شود. - در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراءالطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید، می‌توان احساس کرد. در این جا نیز مکان، از کویر معمولی فراتر می‌رود و به عالم دیگر و ماوراءالطبیعه متصل می‌شود. - ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. چه فاجعه‌ای است در آن لحظه که یک مرد می‌گرید! ... چه فاجعه‌ای! ...

در این جا، زمان و مکان از مدینه و زمان علی (ع) فراتر می‌رود.

- آسمان، تفرجگاه مردم کویر است و تنها گردشگاه آزاد و آباد کویر.

در این عبارت، آسمان از نظر نویسنده، آسمان نیست؛ بلکه فراتر از مکان عادی و معمولی است. آسمان تفرجگاه و گردشگاهی آزاد برای مردمان کویر پنداشته شده است.

- من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرودآمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا»، در بستر خویش به خواب رفتم.

نویسنده از آن شبی که بر روی بام خانه رفته است، پا فراتر می‌گذارد و خود را در فرامکان و فرازمان می‌پندارد.

یادآور می‌شود که نویسنده، خود در عبارتی مبحث اخیر را به مخاطب «هیچ کس» تذکر می‌دهد: «کلمات را کنارزنید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید».

عامیانه نویسی

گاهی سبک عباراتی از کویر، با سبک بقیه عبارات متفاوت است و بیشتر به سبک عامیانه نزدیک می‌شود. این تفاوت سبک را می‌توان علاوه بر معنی دار بودن، نشانی از مردمی بودن نویسنده دانست. شریعتی با این شگرد زبانی و اجتماعی، قصد دارد، مخاطبان عمومی خود را به متن و درنهایت، آنان را به مقاصد خود نزدیک تر کند. او خود را از مردم و برای مردم می‌داند. این، رسالت

_____ تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

مهم یک نویسنده است. این جاست که واژگان و عبارات در کویر «رنگ مردمی» به خود می‌گیرند. برای نمونه، به مصادیق زیر اشاره می‌شود:

- بر همان مهر و نشان است که بود (ضرب‌المثلی است که ظاهراً از بی‌تی از حافظ گرفته شده که قبلاً در ذیل تلمیح‌گویی به آن اشاره کردیم).

- سرمی‌سپرد (سرسپردن، کنایه از تسلیم‌شدن و پذیرفتن).

- همه چشم‌ها به او بود (کنایه از این که همه چشم‌انتظار او بودند و همه امیدها به او بود).

- جوانی را به پایش ریخته بود (کنایه از این که از عمر خویش برای تحصیل علم و دانش استفاده کرده بود).

- از زندگی و مردمش کناره‌گرفت (کناره گرفتن، کنایه از منزوی و گوشه‌نشین شدن و از مردم جدا شدن است).

- پامان به ده باز بود (در زبان عامه یعنی به ده و روستا رفت و آمد داشتیم و به آن جا سرمی‌زدیم، می‌رفتیم).

- دست و پاگیر نشده بودیم (این عبارت، دارای مفهوم کنایی گرفتار شدن و ایجاد دردسر کردن برای کسی است).

- در نخستین دم بهار (در زبان عامه، یعنی در ابتدای بهار یا اولین ساعات آغاز بهار).

- بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم (کنایه از این که همه چشم‌انتظار او بودیم).

- هیاهوی گله خوابید (در زبان عامیانه هیاهوی چیزی خوابیدن، کنایه از ساکت و آرام شدن است).

- گرم تماشا بودن (کنایه از مشغول تماشا و دیدن است).

- پروین سر زد (سرزدن به معنی طلوع کردن و نمایان شدن است).

- یک راست (نقش دستوری قید را دارد و به معنی مستقیماً به کار رفته است).

- دهاتی‌های کاه‌کش (الفاظ دهاتی و کاه‌کش، عامیانه است).

- سر به آسمان برنکردم (این عبارت، دارای مفهوم کنایی سر به سمت آسمان بالا نبردم، آسمان را ندیدم و ... است).

- چغندرکاری (این لفظ بیشتر در بین کشاورزان کاربرد دارد).

واژه و عبارت‌پردازی

آن‌چه در نقد صورت‌گرایانه یا فرمالیسم، مهم به شمار می‌آید، ساخت و کاربرد واژگان نو و عبارات جدیدی است که از ذهن خلاق نویسنده تراوش کرده است. ساخت و کاربرد واژگان و عبارات در متن ادبی، سبب رستاخیز و تحرک متن می‌شود و به تبع آن، مخاطب نیز به اعجاب و شگفتی واداشته می‌شود. این خصیصه مهم، در متن ادبی کویر دیده می‌شود. معنای کانونی واژگان و عبارات

نو، در مقایسه با دیگر واژگان زبان، تفسیرپذیرتر هستند و در مقایسه با واژگان رسمی و معیار، معنایی پویاتر دارند و می‌توانند عمق بیشتری به متن ببخشند.

«کلمه»، طبیعتاً ارزش ذاتی و جمال‌شناسی دارد و به‌هیچ‌روی، صرفاً وظیفه انتقال معنی به مخاطب را ندارد. (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۳۳) وقتی در سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۵ نحلّه صورت‌گرایان روسی شکل‌گرفت، هدف نخستین آن‌ها مسئله زبان و شناخت مرز میان زبان ادبی و زبان روزمره بود. با خواندن متون ادبی، مسحور جادوگری موسیقایی آن‌ها می‌شویم و درمی‌یابیم که اصل اول، همان موسیقی در کلام است. این طبیعی زبان است که وزن و آهنگ با کاربرد واژگان حاصل می‌شود؛ زیرا واژگان هستند که می‌توانند در متن، رستاخیز به پا کنند. از مهم‌ترین «واژگان و عبارات نو» در کویر، می‌توان به این موارد اشاره کرد: باغستان، انگاره (به معنی اندازه، مقیاس، طرح یا نقشی که کشیدن آن ناتمام مانده‌باشد)، گیرودار، شورانگیز، بی‌صبرانه، دم بهار، دامن‌گستر، اسرارآمیز، بی‌فریاد، تفرجگاه، آسفالت‌نشین، گاه‌کش، چغندرکاری و ...

تصویرپردازی

«آشنایی‌زدایی» یا «غریب‌سازی»، یکی از مبانی اصلی فرمالیسم است. آشنایی‌زدایی در واقع، ایجاد تغییر شکل در واقعیت‌های زبانی و ادبی است. «آشنایی‌زدایی، غبارروبی از دید و نگرش است» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۸۷) که با استفاده از ابزارهایی چون صورخیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) انجام می‌شود. علاوه بر آن، کاربرد صناعات ادبی از ابزارهای دیگر ایجاد آشنایی‌زدایی به شمار می‌آید (طاووسی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

شریعتی از نویسندگانی است که در ساخت تصاویر ادبی، با بهره‌گیری از ابزارهای صور خیال، یا به تعبیری آشنایی‌زدایی، مهارت ذهنی خلاق دارد. اغلب تصاویر ادبی او به تازگی و پویایی تصویرها دلالت دارد و آن تصاویر، همان عاطفه و روح زنده او هستند. تصاویر ادبی شریعتی بالنده و شعله‌ور و بیشتر مبتنی بر جریان سیال ذهن او هستند و احساسات و عواطف مخاطب را برمی‌انگیزند.

زبان استعاری، قابلیت بسیاری برای بیان حالات درون نویسنده دارد؛ به‌ویژه این قابلیت در استعاره مکنیه یا بالکنایه، بیش از شگردهای دیگر وجود و حضور دارد. نویسندگان از دو شگرد استعاری برای تصویرسازی و یگانه‌شدن با شی مورد نظر، بهره‌می‌برند: شخصیت‌بخشی (انسان‌انگاری) و اندام‌بخشی (جان‌دارانگاری). در «انسان‌انگاری»، گوینده صفات انسان را به شی مورد نظر می‌دهد و به آن روح و جوهر انسانی می‌بخشد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۷۳) و در «جان‌دارانگاری»، نویسنده اندام و اعضای انسان یا حیوان زنده را در شی یا در موضوع می‌بیند و شی بی‌جان را در کالبد موجود زنده قرار می‌دهد.

کاربرد استعاره‌های بالکنایه در کویر، در سراسر آفرینش‌های ادبی نویسنده، سایه انداخته‌است

تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

و چنین کاربردی، دستگاه فکری شریعتی را تشکیل می‌دهد. استعارهٔ بالکنایه در کلام ادبی نویسنده، نقش رهبری دیگر تصاویر هنری و ادبی را به عهده دارد. او با ساخت استعاره‌های بالکنایه و بهره‌گیری از آن‌ها، بر اقتدار معنای کلام خود افزوده‌است. استعاره‌های دکتر شریعتی در کویر، از جنبه‌های احساسی و عاطفی بالایی برخوردار هستند و همین عامل، سبب همراهی و همگامی مخاطبان با کلام ادبی او می‌شود. استعاره‌های این نویسندهٔ توانا، برای تزیین صوری و ساختاری زبان، بسیار کارآمد است؛ هرچند که تصاویر استعاری، کلام را از ساخت و فرم عادی و معمولی خارج می‌کند. نکتهٔ مهم دیگر، این که تصاویر استعاری-زبانی چنان در فکر و ذهن دکتر شریعتی ریشه دوانیده‌اند که لحظه‌ای او را رهانمی‌کنند و پیوسته حامل بُن‌مایه‌های ذهنی و روانی او هستند. در این بخش از پژوهش، مصادیقی از کاربرد استعاره در متن کویر ارائه می‌گردد:

- چشمهٔ آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید (ترکیب دل یخچال، استعارهٔ بالکنایه است).

- از دامنهٔ کوه‌های شمالی ایران به سینهٔ کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد (ترکیب‌های سینهٔ کویر و دل ارگ، استعارهٔ بالکنایه به شمار می‌آیند).

- از این‌جا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانهٔ هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند (عبارت سر بر شانهٔ هم داده‌اند و آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند، استعاره بالکنایه هستند).

- تاریخ بی‌هق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوایش یاد می‌کند. در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود و... (تاریخ بی‌هق از ... یاد می‌کند و ترکیب باب علم، استعارهٔ بالکنایه محسوب می‌شوند. البته در ترکیب باب علم، نویسنده در در ذهن سیال خویش، علم را با عمارتی یکسان دانسته که آن عمارت، بخشی به نام «در» دارد).

- استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب، نه در «ادارات» که در غرفه‌های مساجد یا مدرسه‌های مدارس می‌نشستند (ترکیب غرفه‌های مساجد، استعارهٔ بالکنایه است که نویسنده با کاربرد آن، تصویرسازی کرده‌است).

- اما در آستانهٔ میوه‌دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته‌بود (لفظ درخت در این عبارت، فرم استعارهٔ مصرحه دارد؛ زیرا نویسنده، علم و دانش را همچون درختی تنومند پنداشته‌است و با شگرد حذف مشابه، از استعارهٔ آشکارا یا مصرحه برای ساخت تصویری ادبی بهره‌برده‌است).

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید (عبارات فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند، فرم استعارهٔ بالکنایه دارند).

- حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌اش، آیات وحی را بر لب دارد (کل عبارت، تصویر زیبایی است که از استعارهٔ بالکنایه شکل گرفته‌است).

- عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استشمام کرده‌است (ترکیب عطر الهام، استعارهٔ بالکنایه است؛ زیرا در ذهنیت نویسنده، الهام همچون گلی فرض شده که عطر و بو دارد. به‌علاوه، این ترکیب از زیور ادبی حس‌آمیزی نیز برخوردار است).

- در کنار آن مدینهٔ پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست (ترکیبات قلب آن کویر و حلقوم چاه، تصاویری شکل گرفته از استعارهٔ بالکنایه هستند).

- به نظارهٔ آسمان رفته بودم؛ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن، مرغان الماس‌پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سر می‌زنند. آن شب نیز ماه با تلالؤ پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سرزد و آن جادهٔ روشن و خیال‌انگیزی که گویی یک‌راست به ابدیت می‌پیوندد (استعاره‌های این عبارت را می‌توان این‌گونه برشمرد: دریای سبز معلق، استعارهٔ مصرحه از آسمان است. ترکیب ماه ... از راه رسید، استعارهٔ بالکنایه و تصویری زیباست. ترکیب گل‌های الماس، استعارهٔ مصرحه از ستارگان درخشان است؛ نویسنده در ذهن سیال و پرتحرک خود، ستارگان آسمان را چون گل‌هایی از جنس الماس پنداشته‌است. علاوه بر آن، عبارت هنری جادهٔ روشن و خیال‌انگیز، استعارهٔ مصرحه از کهکشان است).

- آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس، در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن‌همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددیین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانهٔ زیبا و شگفت مردم کویر، فرودآمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئهٔ خوب و پاک آن «اسرا»، در بستر خویش به خواب رفتم (در این عبارت زیبا و ادبی، باغ، استعارهٔ مصرحه از آسمان زیبای کویر است. ضمناً ترکیب «سموم سرد»، از ویژگی ادبی پارادوکس برخوردار است که نویسنده با جمع‌نمودن دو ویژگی گرم و سرد در یک ترکیب، از تناقض یا همان پارادوکس برای تصویرپردازی استفاده کرده‌است. کاربرد پارادوکس، یکی از ابزارهای ادبی ساخت تصویر به شمار می‌آید. ترکیب عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد، استعارهٔ بالکنایه محسوب می‌شود؛ زیرا نویسنده، خلاقانه صفات بی‌درد و بی‌دل را به عقل نسبت داده‌است. علاوه بر این، در ذهن سیال نویسندهٔ توانا، عقل همچون گلی پنداشته‌شده که پژمرده‌است. ساخت چنین عباراتی که از تصاویر استعاری برخوردار باشند، از جریان ذهن سیال نویسنده، نشئت گرفته‌است. همچنین عبارت علم عددیین مصلحت‌اندیش از زیور ادبی استعارهٔ بالکنایه برخوردار است).

یکی دیگر از راه‌های تصویرپردازی و آشنایی‌زدایی، کاربرد زیور ادبی تشبیه است. مخاطب با برخورد به تشبیه و یکسان فرض شدن دو چیز متفاوت از سوی نویسنده، دچار اعجاب و شگفتی

می‌شود. تشبیه، عبارت است از ادعای همانندی میان دو چیز یا ماندن کردن چیزی به چیز دیگر در صفتی خاص یا ادعای مشارکت دو چیز در حالت و صفتی خاص؛ به شرطی که این ادعا مبتنی بر تخیل باشد. پس زمانی که دو چیز به هم تشبیه می‌شوند، در حقیقت میان آن دو، شباهتی وجود ندارد؛ بلکه این ذهن خلاق نویسنده و شاعر است که با بهره‌گیری از عنصر خیال، مدعی شباهت میان آن دو می‌گردد.

در میان چهار رکن تشبیه، دو رکن آن، یعنی «وجه شَبَه» و «ادات تشبیه» را می‌توان در سخن حذف کرد؛ اما در تشبیه، از دو پایه دیگر، یعنی «مشبَه» و «مشبَه‌به» گزیری نیست. تشبیه تا هنگامی دارای ساختار تشبیه است که این دو پایه در سخن آورده شده باشند. این دو پایه را اصطلاحاً «طرفین تشبیه» می‌نامند و بنیاد پندار و تخیل شاعرانه بر «مشبه‌به» نهاده می‌شود؛ به عبارتی دیگر، از چهار رکن تشبیه، رکن «مشبه‌به» برترین است. علت برتری بنیادین «مشبه‌به»، آن است که سخنور می‌خواهد به یاری تشبیه، دریافت روشن و رسایی از «مشبه» به خواننده و شنونده بدهد؛ بنابراین اگر «مشبه‌به» به درستی و روشنی و زیبایی برگزیده نشده باشد، تشبیه به سرانجام نخواهد رسید و ارزش هنری نخواهد داشت.

تشبیهی که در آن، هم ادات تشبیه و هم «وجه شَبَه» حذف شده باشند، «تشبیه بلیغ» نام دارد؛ که عالی‌ترین، زیباترین و رساترین نوع تشبیه به شمار می‌آید (هادی، ۱۳۷۶: ۷۹)؛ زیرا حذف ادات تشبیه، ادعای همانندی میان دو طرف تشبیه را به طرز محسوسی بالامی‌برد و عدم ذکر «وجه شبه» نیز باعث فعالیت بیشتر ذهن خواننده در جهت کشف ارتباط تشبیه می‌گردد که حاصل آن، لذت ادبی است. تشبیه بلیغ، گاهی به صورت اضافی (اضافه تشبیهی) و گاهی به شکل غیراضافی (جمله‌ای) بیان می‌گردد. بر این اساس، اغلب تشبیهات در کویر، بر پایه این گونه تشبیهات بنا شده است. در این مجال، به کاربرد نمونه‌هایی از تشبیه در متن درس کویر اشاره می‌شود:

- [مزینان] گویی عشق آباد کوچکی است (نویسنده، زادگاه خودش، مزینان را با عشق آباد یکسان دانسته است و این تصور یکسانی بین دو پدیده متفاوت، سبب ساخت تصویر همراه با اعجاب مخاطب شده است).

- شاگرد بود که همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالأخره می‌یافت و سر می‌سپرد (نویسنده، شاگرد را همچون جوینده تشنه‌ای فرض کرده است. علاوه بر آن، عبارت سرسپردن، تصویری کنایی به شمار می‌آید).

- چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه دارد... (ترکیبات چراغ علم و فلسفه و کلام، از نوع تشبیه بلیغ اضافی هستند که در حوزه بیان، زیباترین و هنرمندانه‌ترین نوع تشبیه محسوب می‌شود؛ زیرا نویسنده از ارکان تشبیه، صرفاً طرفین تشبیه را آورده است).

- در آن هنگام که بهار حیات علمی و اجتماعی‌اش فرارسیده‌بود، ناگهان منقلب‌شد (در این عبارت، ترکیب بهار حیات، تشبیه از نوع بلیغ اضافی است؛ حیات از نظر سرسبزی و طراوت، همچون بهار فرض شده‌است).

- تابستان وصال، درست به‌هنگام، همچون همه‌ساله امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می‌آمد (ترکیب ادبی تابستان وصال، تشبیه از نوع بلیغ اضافی است. نویسنده وصال را از نظر گوارایی و خوشایندی، همچون تابستان دانسته‌است. این یکسانی، موجب شگفتی مخاطب خواهدشد).

- ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و دامن‌گسترمان، کویر می‌برد (زندان شهر، تشبیه بلیغ اضافی است و هنری‌ترین نوع تشبیه به شمار می‌آید).

- آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم (در این عبارت، ترکیب آسمان کویر، این نخلستان خاموش و مشت خونین و بی‌تاب قلبم و باران سکوت، از مصادیق تشبیه هستند).

- ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست (در عبارت «ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش»، تشبیه وجود دارد).

- آسمان، تفرجگاه مردم کویر است ... (نویسنده در این عبارت، آسمان را با تفرجگاه یکسان پنداشته‌است و بدین‌شکل از ابزار تشبیه برای تصویرپردازی بهره‌برده‌است).

- قندیل زیبای پروین سرزد (در این عبارت، خوشه پروین همچون قندیل و چراغدانی زیبا فرض شده‌است که در اصطلاح به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ اضافی گفته می‌شود؛ همان که در دستور، در مبحث انواع ترکیب اضافی، با نام «اضافه تشبیهی» شناخته‌است).

- آن عالم پرشگفتی و راز آسمان کویر، سرایی سرد و بی‌روح شد (در این عبارت، نویسنده عالم پرشگفتی و راز را همچون سرایی سرد در نظر گرفته‌است. ضمناً سرایی سردن شدن، تصویری کنایی است).

- گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد (ترکیب گل‌های معطر شعر و خیال و الهام و احساس به‌صورت «ترکیب عطفی»، تشبیه بلیغ اضافی به شمار می‌آیند. علاوه بر این، ترکیب «سموم سرد»، تصویری پارادوکسی است). در نگاه صورت‌گرایان، اثر ادبی عبارت است از یک نشانه و این نشانه، با نظام نشانه‌ای، متن را شکل می‌دهد و متن به‌عنوان یک کل است که تمام عوامل آن در برابر یکدیگر انجام وظیفه‌ای

تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

متقابل می‌کنند. صورت‌گرایان، محتوا یا معنا را چیزی جز تجلی صورت نمی‌دانند. در این چشم-انداز، معنی همان صورت است و صورت همان معنی؛ بنابراین، هنر چیزی جز فرم و شکل نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۴). صورت‌گرایان بر این باورند که کنایات، یکی از ابزارهایی است که فرم و صورت متن را به وجود می‌آورد و سبب ایجاد «آشنایی‌زدایی یا غریب‌سازی» می‌شود؛ چراکه در کنایات، معنی غیرواقعی الفاظ منظور است. بدین‌دلیل، کاربرد کنایه در اثر هنری سبب می‌شود تا مخاطب به تأمل، درنگ و اندیشیدن بیشتر بپردازد.

ادبیات و به‌ویژه شعر، شیوه غیرمستقیم بیان و اندیشه است. شعر و نثر ادبی، گریز از منطق عادی گفتار است و از این‌رو، در گزارش لحظه‌ها و اندیشه‌ها، از صورت‌های گوناگون خیال و شیوه ادای معانی به‌طریق غیرمستقیم استفاده می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

معاصرین، کنایه را ترکیب یا جمله‌ای می‌دانند که «مراد گوینده»، معنای ظاهری آن نباشد و قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند، وجود نداشته‌باشد. پس، کنایه ذکر مطلبی و دریافت مطلب دیگر است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۳). از نظر بلاغی، کنایه‌ها از فرمی موجز و کوتاه برخوردارند و به‌علت همین اصل، گاهی کنایه‌ها در زبان عامیانه به ضرب‌المثل یا مثل سایر تبدیل می‌شوند. کاربرد کنایه یکی از شگردهای بهره‌گیری از آشنایی‌زدایی در حوزه مکتب ادبی فرمالیسم است. ذیلاً نمونه‌هایی از کنایه‌های به کار رفته در درس کویر فارسی ۳، ارائه و تحلیل می‌شود:

- از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینۀ کویر سرازیر می‌شود (سرازیر شدن، کنایه از جاری و روان شدن است).

- از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد (کنایه از جوشیدن).

- از این‌جا درختان کهنی ... سر بر شانه هم داده‌اند (کنایه از این‌که درختان بسیار رشد داشته‌اند و بسیار به هم نزدیک بودند).

- مزینان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود (کنایه از این‌که تا به حال تغییری نکرده‌است).

- در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود (باز بودن باب علم، کنایه از رونق داشتن علم و دانش است).

- شاگرد بود که ... می‌سنجید و بالأخره می‌یافت و سرمی‌سپرد (ترکیب سرسپردن، کنایه از تسلیم شدن و پذیرفتن است).

- بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود (کنایه از انتظار داشتن است).

- حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه‌دارد (چیزی را گرم نگاه‌داشتن، کنایه از حفظ کردن رونق آن است و چراغ چیزی را

روشن نگه‌داشتن نیز مفهوم کنایی دارد و به معنای یاد چیزی یا کسی را زنده نگه‌داشتن است).
- اما در آستانهٔ میوه‌دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و ... (جوانی به پای چیزی ریختن، کنایه از عمر خود را صرف چیزی کردن است).
- شهر را و گیرودار شهر را رهاکرد (کنایه از این‌که گرفتاری و دربند بودن در حوزهٔ شهر را رهاکرد و از شهر دل‌کند).

۱۲۵

- چشم‌ها را منتظر گذاشت (کنایه از این‌که همه را به انتظار کشیدن واداشت).
- از زندگی و مردمش کناره‌گرفت (کنایه از منزوی شدن است).
- باز راه اجداد خویش را به سوی کویر پیش‌گرفت و به مزینان بازگشت (راه کسی در پیش‌گرفتن، در مفهوم کنایی همان شیوهٔ او را ادامه‌دادن است).
- برخلاف حال، پامان به ده باز بود و در شهر، دست‌وپاگیر نشده بودیم (پای کسی به جایی بازبودن، کنایه از رفت‌وآمد به جایی است و دست‌وپاگیر نشدن، کنایه از ایجاد دردسر نکردن و گرفتار نشدن است).

- هر سال ... بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم (کنایه از این‌که در انتظار آن به سر می‌بردیم)
- دهقانان با چهارپایان‌شان از صحرا بازمی‌گشتند و هیاهوی گله خوابید (هیاهوی گله خوابیده، کنایه از آن است که سکوت همه‌جا را فراگرفت).

- گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس‌پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سرمی‌زنند (گرم یا سرگرم چیزی بودن، کنایه از مشغول چیزی بودن یا به فکر چیزی بودن است و غرق در چیزی بودن نیز کنایه از مسحور شدن است).

- قندیل زیبای پروین سرزد (سرزدن پروین، کنایه از طلوع کردن و نمایان شدن آن است)
- تا امسال که رفتیم، دیگر سر به آسمان برنکردم (سر به آسمان برنکردن، کنایه از این است که به آسمان نگاه نکردم).

- همه چشم در زمین که این‌جا ... می‌توان چند حلقه چاه عمیق زد (چشم به جایی دوختن، کنایه از خیره به جایی نگاه کردن است).

- آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد ... شد (سرایی سرد شدن، کنایه از آن است که آسمان کویر از رونق افتادن و دل‌پذیر نبودن آن مراد است).

مجاز در مکتب ادبی فرمالیسم، از ابزارهایی به شمار می‌آید که گوینده با استفاده از آن برای مخاطب آشنایی‌زدایی یا غریب‌سازی می‌کند و بدین واسطه، مخاطب به اعجاب و شگفتی واداشته می‌شود.

«مجاز» یکی از شگردهای ادبی است که در علم بیان مطرح می‌شود. شاعران، از آن‌جایی که جهان را دگرگونه می‌بینند، واژگان را نیز دگرگونه به کار می‌برند؛ بدین معنی که از واژگان

تجلی فرم و صورت کویر در بستر کتاب فارسی ۳ دوره دوم متوسطه

معمول و مرسوم ما استفاده می‌کنند؛ اما آن‌ها را در معانی اصلی و متعارف و قراردادی خود به کار نمی‌برند و به قول ادبا، عبارات و لغات را در معنای «غیر ما وُضِعَ له»، یعنی برخلاف قرارداد استعمال می‌کنند. گویی نویسندگان و شاعران، با این شگرد ادبی، جهان را دوباره به سلیقه خود نام‌گذاری می‌کنند.

زمانی که گوینده یا شاعر در صدد آن باشد تا با نگاه تازه به واژگان، پهنای زبان را گسترش دهد، رویدادی است که در بلاغت به آن «مجاز» گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، «مجاز» همان کاربرد واژه در معنای غیر از معنای قاموسی و اصلی آن است (در مجاز، واژه در معنایی به کار گرفته می‌شود که برای آن وضع نشده است). و اینک نمونه‌هایی از کاربرد مجاز در متن کویر دکتر شریعتی - تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوای مزینان یاد می‌کند (مزینان، مجاز از مردم این روستاست).

- در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود (فقیر و غنی، روستایی و شهری مجاز هستند و معنی غیر واقعی آن‌ها، با توجه به این که به کمک علاقه جزئی، جزء بیان شده است، همه مردم است).

- چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد که هرگز در انتظار آمدن چون او کسی نبود (چشم‌ها مجاز از مردم است).

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید، می‌توان احساس کرد (فلسفه، مجاز از فلسفه‌دانان و علمای فلسفه، مذهب نیز مجاز است و به معنی علمای مذهبی است).

- دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی روح شد (دیدارها، مجاز از نگاه‌ها و خاک، مجاز از زمین است).

حاصل کلام این که، صور خیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) از قوی‌ترین ابزارهایی به شمار می‌آیند که نویسنده و شاعر می‌توانند از آن‌ها برای ساخت تصاویر ادبی پویا و پرتحرک و آشنایی-ژدایی یا غریب‌سازی و به قصد برانگیختن اعجاب و شگفتی مخاطب یا مخاطبان، استفاده کنند. دکتر شریعتی در متن کویر، از این ابزارهای فنی و بیانی، به کرات بهره مناسب برده است.

۴. بررسی مختصری از درون‌مایه‌های کویر

به طور کلی، کویر در قالب نثر معاصر با درون‌مایه‌هایی از قبیل: توصیف، آموزش همگانی و پرهیز از تبعیض، طلب علم، جاذبه و کشش دانش، گرایش به پاکی و تنهایی، خودشناسی، لذت به بازگشت و اصل خود، وطن‌دوستی و حب به سرزمین نیاکان خویش، فخر و مباهات به پیشینه خود، توصیف عناصر طبیعت (از جمله کویر و پدیده‌های آن)، معنویت کویر، خیال‌انگیز بودن کویر،

پرداختن به دوران گذشته زندگی، روی آوردن به معنویات و توجه به ضرورت تهذیب نفس، رهایی از زرق و برق زندگی شهری و رهایی از زندان شهر، توجه به مذهب، عرفان، فلسفه و تاریخ، دوری از نگاه تجملی به زندگی، توجه به فلسفه والای زندگی، توجه به باطن و حقیقت هر چیز و پرهیز از ظاهر بینی و نگاه‌های جزئی و علمی به زندگی، سرزنش دید مادی داشتن و ... همراه است. در ادامه به چند نمونه از درون‌مایه‌های کویبر، پرداخته خواهد شد.

توصیف

- چشمه‌آبی سرد که در تموز سوزان کویبر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید. از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویبر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد. از این جا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند. - آسمان کویبر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هر گاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم.

آموزش همگانی و پرهیز از تبعیض، طلب علم، جاذبه و کشش دانش

- در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود و استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب، نه در «ادارات»، که در غرفه‌های مساجد یا مدارس‌های مدارس می‌نشستند و شاگرد بود که همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالأخره می‌یافت و سر می‌سپرد؛ نه به زور حاضر و غایب، بل به نیروی ارادت و کشش ایمان.

- همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه‌دارد؛ اما در آستانه میوه‌دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و در آن هنگام که بهار حیات علمی و اجتماعی‌اش فرارسیده بود، ناگهان منقلب شد.

گرایش به پاکی و تنهایی، خودشناسی، لذت به بازگشت و اصل خود

- جد من، او نیز بر شیوه پدر رفت. به همین روستای فراموش باز آمد و از زندگی و مردمش کناره‌گرفت و به پاکی و علم و تنهایی و بی‌نیازی و اندیشیدن با خویش وفادار ماند؛ که این فلسفه انسان ماندن در روزگاری است که زندگی سخت آلوده است و انسان ماندن سخت دشوار..

- پس از پایان تحصیل فقه و فلسفه و به‌ویژه ادبیات، باز راه اجداد خویش را به سوی کویبر پیش‌گرفت و به مزینان بازگشت.

وطن‌دوستی و حب به سرزمین نیاکان خویش، فخر و مباهات به پیشینه خود

- از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویبر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد.

- مزینان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود.

- وی جد پدر من بود. من هشتاد سال پیش، نیم قرن پیش از آمدنم به این جهان، خود را

در او احساس می‌کنم؛ در نگاه او نشانی از من بوده‌است.

معنویت و خیال‌انگیز بودن کویر

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراءالطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید، می‌توان احساس کرد و از آن است که پیامبران همه از این جا برخاسته‌اند و به سوی شهرها و آبادی‌ها آمده‌اند. «در کویر خدا حضور دارد».

- آواز پر جبرئیل همواره در زیر غرفه بلند آسمانش به گوش می‌رسد و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌اش، آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود. - آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. - از آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و نشئه‌های سرشار از شعر و خیال و عظمت و شکوه و ابدیت پر از قدس و چهره‌های پر از «ماورا» محروم‌تر می‌شدم.

پرداختن به دوران گذشته زندگی

- نیمه‌شب آرام تابستان بود و من هنوز کودکی هفت هشت ساله. آن شب نیز مثل هر شب در سایه‌روشن غروب، دهقانان با چهارپایان‌شان از صحرا باز می‌گشتند و هیاهوی گله خوابید و مردم شام‌شان را که خوردند، به پشت بام‌ها رفتند؛ نه که بخوابند، که تماشا کنند و از ستاره‌ها حرف بزنند؛ که آسمان، تفرجگاه مردم کویر است و تنها گردشگاه آزاد و آباد کویر. - چنین بود که هر سال که یک کلاس بالاتر می‌رفتم و به کویر برمی‌گشتم، از آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و نشئه‌های سرشار از شعر و خیال و عظمت و شکوه و ابدیت پر از قدس و چهره‌های پر از «ماورا» محروم‌تر می‌شدم؛ تا امسال که رفتم، دیگر سر به آسمان برنکردم.

رهایی از زرق و برق زندگی شهری و رهایی از زندان شهر

- هر سال، انتظار پایان می‌گرفت و تابستان وصال، درست به هنگام، همچون همه‌ساله، امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می‌آمد و ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و دامن گسترمان، کویر می‌برد؛ نه، باز می‌گرداند. - سال‌های کودکی، هنوز پیوند ما با زادگاه روستایی‌مان برقرار بود و برخلاف حال، پامان به ده باز بود و در شهر، دست و پاگیر نشده بودیم.

توجه به مذهب، عرفان، فلسفه و تاریخ

- او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه‌دارد. - تاریخ بی‌هق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوایش یاد می‌کند.

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراءالطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید.

- هر صخره سنگش و سنگ‌ریزه‌اش، آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود. توجه به باطن و حقیقت هر چیز و پرهیز از ظاهر بینی و نگاه‌های جزئی و علمی به زندگی - و دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد؛ ساخته چند عنصر! و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن‌همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرودآمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا»، در بستر خویش به خواب رفتم.

نتیجه گیری

کویر از آثار برجسته نویسنده معاصر، علی شریعتی، است. محدوده کاربرد زبان شاعرانه در این اثر، بسیار وسیع است؛ به طوری که این متن در جریان ذهن سیال و پویای نویسنده به صورت نگارشی خودکار فرم‌یافته و جلوه‌ای شعرگونه به آن بخشیده‌است. ویژگی‌های محتوایی این اثر، سبب شده تا کویر در دسته آثار غنایی گنجانده شود. احساسی و عاطفی بودن، بیان مضامین عارفانه همچون وحدت وجود، چشم‌پوشی از تعلقات، وصف و توصیف عناصری از طبیعت، درون‌گرا بودن، عشق به وطن اصلی خویش، دل‌ن بستن به دنیا و متعلقات آن، از مهم‌ترین خصوصیات محتوایی متن کویر است. و مهم‌ترین تار و پود درونی این اثر ادبی بارزش، درهم‌تنیدگی ویژگی‌هایی از قبیل تاریخی‌نگاری، تکرار، تلمیح‌گویی، فرامکان و زمان، عامیانه‌نویسی، واژه و عبارت‌پردازی، کاربرد ترکیبات و تصویرپردازی در ابعاد متعدد است. در کویر، تاریخ‌گرایی بیشتر با به کارگیری «واژگان و عبارات» کاربردی در حوزه تاریخ، متجلی می‌شود. تکرار به کلام، آهنگ می‌بخشد و تلمیحات یا اشاره‌های بینامتنی متضمن برداشت‌های تاریخی، ادبی و ذهنی نویسنده، متن را منسجم می‌سازد. او با همنشینی واژه‌هایی از قبیل «کویر، مدینه، نویسنده اهل رومانی، عربستان، جبرئیل، الهام و ...» زمان و مکان نوشته خویش را بسط می‌دهد. گاهی سبک عباراتی از کویر، با سبک بقیه عبارات متفاوت است و بیشتر به سبک عامیانه نزدیک می‌شود. این تفاوت سبک را می‌توان علاوه بر معنی‌دار بودن، نشانی از مردمی بودن نویسنده دانست.

منابع

- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۹). دیوان غزلیات، شرح خلیل خطیب‌رهبر. تهران: امیرکبیر.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۵). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ج ۴. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران
- رهبریان، محمدرضا (۱۳۸۵). «جلوه‌های ادبی و هنری شریعتی». فصلنامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره نوزدهم، شماره ۳: ۳۴ - ۳۶.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۴). «بررسی ویژگی‌های سبکی کویر شریعتی». پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره پبوسته ۴۵ و ۴۶: ۸۳ - ۱۰۰.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۹۵). مکتب‌های ادبی. تهران: نگاه.
- شایگان فر، حمیدرضا (۱۳۹۱). نقد ادبی. تهران: حروفیه.
- شریعتی، علی (۱۳۸۹). کویر. تهران: ایران جوان.
- _____ (۱۳۴۸). کویر، تهران: آبی نا.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۵). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). معانی و بیان. تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۹۳). نقد ادبی. تهران: میترا.
- صادقیان، محمدعلی (۱۳۷۹). زیور سخن در بدیع فارسی. یزد: دانشگاه یزد.
- طاووسی، سهراب (۱۳۹۵). آیین صورتگری. تهران: ققنوس.
- عبدالحی، مهین (۱۳۹۶) «بررسی فرم در کویر دکتر شریعتی با تکیه بر برجسته‌سازی». در اولین کنگره علمی بین‌المللی فرهنگ، زبان و ادبیات، شیراز.
- علوی، فرید و غلامی، فاطمه (۱۳۸۴). «خیال در کویر دکتر شریعتی». نشریه قلم، دوره ۱، شماره ۲: ۲۶-۴۳.
- فتوحی معجنی، محمود (۱۳۹۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- گودرزی، هاشم (۱۳۹۷). تنهایی کویر. تهران: همراز قلم.
- محمدیان بهرام محی‌الدین؛ وفایی عباسعلی؛ خاتمی، احمد؛ قاسم پور مقدم، حسین (۱۳۹۸). فارسی ۳. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- محمدی، محمود (۱۳۹۳). فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیهق. تهران: آژند.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۳). بدیع از دیدگاه زیباشناسی. تهران: سمت.
- هادی، روح‌الله (۱۳۷۶). آرایه‌های ادبی (قالب‌های شعر، بیان و بدیع). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها. تهران: فرهنگ معاصر.